

مایکل سیلستورفر
به مردم

مزارع گل رز. میان یک کارخانه‌ی نوشیدنی قدیمی. هزار عدد گل رز با دقت در بطری‌های پلاستیکی چیده شده‌اند. هر روز هر گل جایگزین می‌شود، به طوری که گل‌برگ‌هایش هرگز پژمرده و پلاسیده نمی‌شوند و هم‌زمان غنچه‌ها در انتظار شکوفایی و باز شدن باقی می‌مانند. یک حالت تعلیق به وجود می‌آید. شکافی مابین پژمردگی و شکوفایی و مابین بودن و شدن. رشد گیاه ما را دعوت می‌کند تا به روند تغییر و تحول نگاهی بیندازیم. در واقع رشد گیاه به طور نمادین تحول را نشان می‌دهد. چه رابطه‌ای میان رشد گیاه با ساقه، گل و خارهایش و همچنین تکامل زندگی‌ها و جوامع ما وجود دارد؟

«به مردم» یک چیدمان چندلایه و منظره‌ای آرام‌بخش از جوامع است. اما از همه مهم‌تر، یک حرکت نمادین است: هدیه‌ای از صمیم قلب به مردمی که دوران تحول را پشت سر می‌گذارند. توجه به این مردم، قدردانی از شهادت‌شان و تشویق آن‌ها یا زبان گل‌ها، بخش مهمی از این چیدمان است که توسط مایکل سیلستورفر، از مهم‌ترین مجسمه‌سازان آلمانی نسل خود، انجام شده است. این هنرمند قدرت خیال، مادی بودن و موقتی بودن اشیاء و روابط آن‌ها را در آثار خود به نمایش می‌گذارد. او این ویژگی‌ها را به مجسمه‌های زنده‌ای از تحول تبدیل می‌کند و به تفسیر دیگر، به موجودیت آن‌ها امکان زندگی شاعرانه می‌بخشد.

سیلستورفر در چیدمان «به مردم»، اشاره‌ای ظریف به یوزف بویس (هنرمند آلمانی - ۱۹۲۱) می‌کند که ایده‌اش درباره‌ی «مجسمه‌ی اجتماعی» مردم را در مرکز تغییرات اجتماعی قرار داده است. بویس در سال ۱۹۷۲ در پنجمین دوره‌ی داکومنتا در کاسل، نمایشگاهی از یک اجرای مشارکتی به مدت ۱۰۰ روز برگزار کرد. او در این نمایشگاه درباره‌ی نحوه‌ی تغییر جامعه از طریق کنش‌های خلاقانه با بازدیدکنندگان بحث کرد. روی میز دفتر کاسل که این نمایش در آن‌جا اجرا شد، یک گلدان شیشه‌ای با یک گل رز بود که هر روز تعویض می‌شد. بعدها تعداد رزها بیش‌تر شد و به اثری هنری با نسخه‌های متفاوت شبیه شد.

سیلستورفر از این ایده الهام گرفته و آن را فراتر، بسط و توسعه می‌دهد. او امکان آغازهای مستمر را که در تعامل با بیننده تا حد انرژی اجتماعی رشد می‌کنند، چند برابر می‌کند. زیرا پشت هر گل رز رشدی وجود دارد که نمی‌توان آن را متوقف کرد. رشدی که قبلاً حاصل شده یا هنوز خفته است و این رشد در ذات انسان نیز وجود دارد. ایده این است که هر سرگذشت‌نامه، چه آشکارا و چه در نهان، تغییراتی را به وجود می‌آورد. به تعبیر شاعر ایرانی، علی عبداللهی و شعر او (تا انتها)، از سال ۲۰۰۷: هر رویایی به صفحه‌ای دیگر منتهی می‌شود. مردم می‌توانند در این امر مشارکت کنند؛ از آن‌ها دعوت می‌شود تا در گفت‌وگوی بی‌صدا در این ساختار، روابط خود را برقرار کنند یا گل‌های رز بیش‌تری بیاورند و به بقیه‌ی گل‌ها اضافه کنند. به این ترتیب، «به مردم» به مرور زمان به نماد تغییر و تحول تبدیل می‌شود و در عین حال رایحه‌ی هم‌زیستی را تراوش می‌کند.

-فرانک اشتاین‌هوفر، ۱۲ اردیبهشت ۱۴۰۲